

## تلاطم بازار ارز، دلایل، پیامدها و راهکارها

حسن حیدری، کارشناس اقتصادی

### ابرار اقتصادی

از نیمه دوم سال ۱۳۸۹ بازار ارز در ایران به تدریج دچار نوسان شد. البته نوسان بازار ارز روند یکسانی نداشته است، بطوریکه در برخی مواقع بازار دچار تلاطم شدید شده و در برخی از ایام شاهد آرامش نسبی بازار ارز بوده‌ایم. آنچه باید بدان توجه شود این است که نوسانات بازار ارز پدیده‌هایی کوتاه‌مدت نیستند و لذا تجویز راه‌حل‌های کوتاه‌مدت برای حل آنها مثمر ثمر نخواهد بود. در طی این دو سال راه‌حل‌های کوتاه‌مدتی مانند تعیین نرخ مرجع ۱۲۲۶ تومانی، ورود نیروهای انتظامی و امنیتی به بازار ارز و مواردی از این دست آزمون شده‌اند و مشخص شده است که در بلندمدت بدون رفع عوامل اصلی این نوسانات، بازار به آرامش نمی‌رسد. بنابراین، قبل از هر چیز باید علت این نوسانات و تداوم آن را شناسایی نمود. مساله دوم این است که تبعات و اثرات افزایش نرخ ارز در اقتصاد ایران چه خواهد بود. در نهایت این پرسش مطرح است که چه راه‌حلهایی برای کنترل بازار ارز وجود دارد. عوامل موثر بر نوسانات بازار ارز را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد. دسته اول عوامل اقتصادی هستند و دسته دوم عوامل غیراقتصادی که از طریق متغیرهای اقتصادی بر بازار ارز اثرگذار می‌باشند. در خصوص دسته اول مهمترین زمینه‌های نوسان فعلی بازار ارز را می‌توان در تداوم رشد نقدینگی و تورم در اقتصاد ایران و عدم تعدیل نرخ ارز متناسب با تورم ذکر کرد. با توجه به تداوم نرخهای تورم دورقمی و افزایش آن در ماههای اخیر، دارنده ریال به اندازه نرخ تورم متحمل مالیات تورمی خواهد شد. به این معنا که با حفظ ریال به اندازه تورم قدرت خرید آن را از دست خواهد داد. عدم تناسب بین نرخ‌های سود بانکی با نرخ تورم نیز باعث شده است تا دارندگان ریال تلاش کنند تا دارایی خود را به سرعت به مسکن، طلا و ارز تبدیل کنند تا از اثرات تورم ریال در امان باشند. این عوامل در مجموع تقاضا برای دارایی‌های غیرریالی، از جمله دلار را افزایش داده است. در کنار عوامل اقتصادی، عوامل غیراقتصادی نیز در نوسانات بازار ارز نقش داشته‌اند. مهمترین عامل غیراقتصادی موثر بر بازار ارز بویژه در یک سال اخیر، تحریمهای اقتصادی بوده است. تحریمهای اقتصادی جریان عرضه ارز به داخل کشور را دچار مشکل کرده است. بنابراین، از یک سو شرایط تورمی و رشد نقدینگی باعث افزایش تقاضا برای ارز شده است، و از سوی دیگر تحریمهای اقتصادی نیز عرضه ارز

به داخل کشور را تحت تاثیر قرار داده است. در چنین شرایطی، افزایش قیمت دلار و سایر ارزها در بازار در طول دو سال اخیر امری طبیعی و قابل انتظار بوده است. لذا تا زمانی که این شرایط برقرار است، توقف روند افزایش نرخ ارز، حداقل در میان مدت و بلندمدت، دور از انتظار است.

با این توصیف، این پرسش به ذهن خطور می‌کند که تبعات افزایش نرخ ارز در اقتصاد ایران چیست؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش باید دید که کدام دسته از فعالان اقتصادی از این شرایط سود می‌برند و کدامیک از این شرایط زیان خواهند دید. به طور طبیعی تورم ناشی از افزایش نرخ ارز به زیان مصرف‌کنندگان و بویژه اقشار متوسط و کسانی است که دستمزدهای ثابت دریافت می‌کنند. کارمندان و کارگران با توجه به دریافت دستمزدهای ثابت و از پیش تعیین شده که در ابتدای هر سال تعیین می‌شود، توان انتقال اثرات تورمی ناشی از افزایش نرخ ارز را ندارند. از سویی دیگر، با توجه به گران شدن قیمت کالاهای وارداتی، انتخاب بسیاری از مصرف‌کنندگان با توجه به بودجه آنها به کالاهای ایرانی محدود می‌شود که لزوماً در بسیاری موارد کیفیت کالاهای مشابه خارجی را ندارند. کنار این گروه، بسیاری از فعالان اقتصادی هستند که برای تولید کالاها و خدمات خود نیازمند واردات کالاهای خارجی هستند. این گروه از صنایع بسته به اینکه چه سهمی از هزینه‌های تولید آنها به واردات وابسته باشد و اینکه تا چه میزان قادر به افزایش قیمت محصول نهایی باشند، از افزایش قیمت ارز تاثیر می‌پذیرند. هر چقدر سهم واردات در هزینه تولید این صنایع بیشتر باشد، و از سوی دیگر امکان افزایش قیمت محصول نهایی در این صنایع کمتر باشد، احتمال زیان دیدن این صنایع از افزایش نرخ ارز بیشتر است. در مقابل، صنایعی که وابستگی کمتری به واردات دارند و همچنین افزایش قیمت محصولات نهایی برای آنها راحت‌تر است، از افزایش نرخ ارز سود می‌برند.

با توجه به تبعات تورمی نوسانات بازار ارز و تبعات آن برای مصرف‌کنندگان و طبقه متوسط جامعه، طبیعی است که بسیاری از دولت انتظار داشته باشند تا شرایط را کنترل کند. اما پرسش اساسی اینجاست که دولت باید چه سیاست‌هایی را برای کنترل نوسانات بازار ارز به کار گیرد. همان طور که بیان شد، مساله بازار ارز ماهیتی بلندمدت دارد، لذا تجویز راه‌حل‌های کوتاه‌مدت نه تنها موثر نخواهد بود، بلکه در مواردی می‌تواند اثرات معکوس نیز داشته باشد. بهترین راهکار برای کنترل بازار ارز در بلندمدت، پیروی از سیاست‌هایی است که ارزش پول ملی را حفظ کرده و حتی آنرا تقویت می‌کند. در این زمینه کنترل رشد نقدینگی و کاهش نرخ تورم مهمترین و موثرترین سیاستی است که دولت

می‌تواند دنبال کند. در واقع دولت از طریق سیاست کنترل تورم آن بخش از تقاضا برای ارز را که با هدف حفظ قدرت خرید و ارزش دارایی به دنبال خرید ارز است هدف قرار می‌دهد. در کنار این سیاست، رفع موانع تولید و بهبود فناوری و افزایش بهره‌وری تولید لازم است سرلوحه سایر سیاستهای دولت باشد. به بیان دیگر، دولت لازم است سیاستهایی را دنبال کند که نتیجه آن افزایش رقابت‌پذیری محصولات ایرانی باشد. در این صورت است که می‌توان انتظار داشت در میان‌مدت و بلندمدت بازار ارز به آرامش نسبی برسد و حتی روند آن معکوس شود. در غیر این صورت، سیاستهای کوتاه‌مدت نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت و در بسیاری موارد اثرات معکوسی نیز بر بازار و اعتماد عوامل اقتصادی خواهد گذاشت.